

# خلیج فارس در زمان سلوکیان و اشکانیان

دکتر عباس عاشوری نژاد<sup>۱</sup>

حیدر غلامی<sup>۲</sup>

## چکیده

از نظر سیاسی- تجاری موقعیت ممتازی پیدا کرد. در یک جمعیتی کلی می‌توان گفت که در دوران فرمانروایی اشکانیان نقش ترانزیتی ایران از طریق خلیج فارس اهمیت بیشتری پیدا کرد؛ تا آنجا که این آبراهه مهم، در تجارت بین ایران با چین و از طرفی چین و روم، جایگاه ویژه‌ای را در نظام اقتصادی کشور احراز نمود.

## کلیدواژگان

خلیج فارس؛ ایران؛ سلوکیان؛ اشکانیان

این مقاله با هدف شناخت وضعیت و موقعیت خلیج فارس، کرانه‌ها و پس کرانه‌های آن، در دوره حکومت‌های سلوکیان و اشکانیان، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بر اساس ترکیبی از روش‌های تحقیق توصیفی و تحلیل محتوا به نگرارش درآمده است؛ اگر چه به موقعیت منطقه خلیج فارس در نتیجه هجوم سپاهیان اسکندر آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری وارد شد، اما اهمیت آن در تحولات سیاسی، اقتصادی ایران همچنان محفوظ مانده است. چنانکه در دوره سلوکیان، امنیت دریایی تأمین گردید؛ شهرها و بنادر زیادی با نام سلوکیه و اسکندریه در مناطق حساس نظامی و بازرگانی آن ساخته شد و تجارت با کشورهای دیگر از جمله هند و اروپا رونق یافت. در مجموع اقدامات سلوکیان در خلیج فارس نشان می‌دهد که آنان اهمیت سیاسی، اقتصادی خلیج فارس را دریافته و در جهت رونق و آبادانی آن گام‌های مؤثری برداشتند.

## مقدمه

اسکندر مقدونی پس از سه جنگ «گرانیک» (۳۳۴ ق.م)؛ «ایسوس» (۳۳۳ ق.م) و «گوگمل» (۳۳۱ ق.م) مقاومت داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، را درهم شکست و در سال ۳۳۰ ق.م دوران حکمروایی اسکندر و سپس سلوکیان آغاز شد.

با وجود آنکه هجوم سپاهیان اسکندر آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری به خلیج فارس و ایالات کرانه‌ای آن وارد کرد، اما اهمیت دریای پارس (خلیج فارس و دریای عمان) در تحولات سیاسی، اقتصادی ایران، همچنان محفوظ ماند.

موقعیت خلیج فارس؛ سواحل؛ جزایر و بنادر آن، در طول مدت طولانی فرمانروایی اشکانیان، اگرچه با افت‌وخیزهای فراوانی همراه بود، ولی در مجموع با توجه به اینکه حکومت اشکانی به بازرگانی خاور و باختر و اقتصاد خارجی، توجه ویژه داشت، بر اهمیت و موقعیت خلیج فارس نیز بیش از پیش افزوده شد. چنانکه در بین سال‌های (۱۷۴-۱۳۴ ق.م) پیش از میلاد، همزمان با سلطنت مهرداد اول اشکانی، خلیج فارس

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر  
۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان

می‌کرد، ولی تهور و استقامت نثارخوس و افرادش باعث شد تا مأموریت وی با موفقیت انجام‌پذیرد. در حین کشتیرانی، در طول سواحل، نثارخوس توانست تماس خود را با اسکندر در اکثر مواقع حفظ کند و سپس در عبور از رودخانه «پاسی تیگر» در نزدیکی شوش، اسکندر تمامی نیروی دریایی خود را، که در قسمت علیای رودخانه به استقبال پادشاه در حرکت بود، در آغاز سال ۳۲۴ ق.م، مشاهده کرد (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۱۶۷).

سفر نثارخوس را در کرانه‌های دریای پارس، باید از هر حیث یک اقدام اکتشافی دانست؛ زیرا، لازم بود که وی از وضع سواحل و خلیجها اطلاعات کافی بدست آورده و آنها را بررسی نماید تا بتواند لنگرگاههای مناسب را شناسایی کند و بعد، از وضعیت شهرهای ساحلی و بندرها و موقعیت جغرافیایی آنها و استعداد کشاورزی و منابع اقتصادی سواحل باخبر شود؛ زیرا، کشتیرانی در سواحل ناشناس و جستجوی غذا بین قبایل سرکش، کاری دشوار بود و اگر چنین نیرویی در بین راه متوقف یا منهدم می‌شد، اعتبار و اقتدار اسکندر در مخاطره قرار می‌گرفت (مستوفی، ۱۳۳۵: ۴۶).

نثارخوس در طول سفر خود می‌بایست برای تهیه غذا و آب، بصورت متناوب با سواحل در ارتباط باشد، او در طی این ارتباطها سرزمینهای جنوبی ایران را مشاهده کرده و طول سواحل آنها را با دریای پارس این گونه بیان می‌کند:

۱. «شرقیتین این سرزمینها، سرزمین «ماهی خورها»

بوده و طول سواحل آن با دریای عمان ۱۰۰۰۰ «استادیون<sup>۵</sup>» بوده است. در شمال این منطقه سرزمین «گدروزیا» قرار داشته است.

۲. در غرب سرزمین ماهی خورها، «کرمان» قرار داشت، که طول سواحل آن با دریای پارس ۳۷۰۰ «استادیون» بوده است.

۳. در غرب «کرمان»، «ساتراپ پارس» قرار داشته، که طول سواحل آن با خلیج فارس ۴۴۰۰ «استادیون» بوده است.

۴. در غرب «ساتراپ پارس»، «ساتراپ شوش» قرار داشته که طبق سفرنامه نثارخوس طول سواحل آن

۵. هر استادیون معادل ۱۵۲/۵ متر است.

اسکندر در ادامه فتوحات خود در اواخر ژوئیه سال ۳۲۵ ق.م «پتاله»، جایکه «رود سند» از نزدیک دریای پارس دو شاخه می‌شد، لشکریان خود را، دوباره منظم کرد و آنان را برای بازگشت به پتاله آماده نمود؛ لیکن، با وجود انصراف از ادامه لشکرکشی در شرق هند، فکر رسیدن به اقیانوس در پایان خشکیهای دنیا، در ذهن او وجود داشت؛ بنابراین، در آبهای مجاور رود سند کشتیرانی کرد، تا اینکه در مصب رود سند به دریا رسید و بتصور اینکه به آخر دنیا رسیده و تمام جهان تحت تسلط اوست، برای خدایان، آمون<sup>۳</sup> و نپتون<sup>۴</sup>، قربانیهایی به دریا تقدیم کرد و نیز محرابهایی در سرزمینهای اطراف آن بنا کرد (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

اسکندر پس از تصرف سرزمینهای کرانه رود سند تصمیم گرفت با گذشتن از این رود به دریای پارس دست یابد و استیلای خود را بر سرزمینهای شبه جزیره عربستان و آفریقا گسترش دهد. او از دهانه رود سند گذشت، ولی بعلت طوفانی بودن دریا از مسافرت منصرف شد و به خشکی بازگشت. بعد از آن اسکندر سفر خود را از راه خشکی و از کرمان و بلوچستان پیش گرفت و به سردار خود نثارخوس یا نثارک، دوست دوران کودکی و فرمانده لشکریان خود، مأموریت داد تا در مصب رود سند، برکشتی، سوار شده و با کمک دریانوردان قهرسی؛ فنیقی و مصری در ساحل دریای پارس تا آنجا که می‌توانند، پیشروی کنند (آل احمد، ۱۳۵۳: ۳۴).

به این ترتیب پس از سفر اسکیلاکس کاریانندی، در زمان داریوش، دومین سفر اکتشافی در دریای پارس آغاز گردید. نثارخوس تمام کرانه‌های جنوبی ایران را پیمود و از راه کارون تا حدود اهواز پیش آمد و خود را به شوش، که محل تلاقی قوای زمینی و دریایی اسکندر بود، رساند. او در این سفر با دشواریهای بسیاری روبرو بود. کشتیرانی در طول سواحل ناآشنا و نامأنوس، که بدست آوردن ذخایر خوراکی و آب و دیگر وسایل مورد نیاز همراهان، در آن نقاط میسر نبود، همچنین عدم وجود کشتیهای مناسب و نیز بی‌اطلاعی از شرایط دریانوردی در این آبها، امور کشتیرانی را بسیار سخت

۳. رب النوع خورشید.

۴. رب النوع دریاها.

می‌آوردند، هیچکدام رضایت‌بخش نبود، ولی با این وجود اسکندر به نئارخوس که از مأموریت قبلی خود موفق برگشته بود، دوباره مأموریت داد تا شبه جزیره عربستان را سیاحت کند، اما برغم تدارک مقدمات سفر، اسکندر در سال ۳۲۳ ق.م زندگی را بدرود گفت و بدین ترتیب سفر نئارخوس آغاز نگردید (ویلسن، ۱۳۶۶: ۵۶).

اگر از هدف اسکندر نسبت به اعزام نئارخوس که بنظر برخی از پژوهشگران اکتشافی بوده و بنظر جمعی دیگر جنبه امنیتی و سرکوب‌گرایانه داشته، صرف‌نظر کنیم، بنظر می‌رسد اهمیت خلیج فارس، بعنوان یک آبراهه مهم و استراتژیک، انگیزه‌ای مؤثر برای فاتح مقدونی بود تا به اعزام این گروه اقدام نماید؛ علاوه بر آن، پس از مطالعه سفرنامه به واقعیت‌هایی مانند مقاومت و پایداری مردم سواحل دریای پارس در برابر سپاهیان مقدونی و همچنین به مهارت‌های ایرانیان در امور و فنون دریانوردی، بدلیل استفاده نئارخوس از راهنمایان ایرانی و تشکیلات منظمی که برای دریانوردی (مانند علائمی که مناطق کم‌عمق خلیج فارس را بوسیله تیرکهای عمودی که در بستر دریا فرو رفته بودند، مشخص کرد تا کشتیها در آن قسمت‌ها به گل نشینند) تدارک دیده شده بود، پی‌می‌بریم (بابایی درمنی، ۱۳۹۱).

### سلوکیان در خلیج فارس

پس از مرگ اسکندر، در سال ۳۲۳ ق.م، متصرفات او بین سردارانش تقسیم شد. مصر باستان به دودمان بطالسه یونان؛ قسمت‌های اروپایی به مقدونیان و ایران و بیشتر متصرفات اسکندر به سردار دیگرش، سلوکوس، رسید.

با مرگ اسکندر هرچند اجرای طرح‌های او که با خلیج فارس ارتباط داشت، مانند اعزام هیأت‌ها برای اکتشافات دریایی متوقف شد، ولی اقدامات دیگری توسط سلوکیان در نقاط کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس صورت‌گرفت، که بطور قطع و یقین، نمی‌توان پذیرفت که سلوکیان نسبت به خلیج فارس و مسائل آن بی‌توجه بوده‌اند.

شهرسازی در سواحل خلیج فارس و ایجاد بندرهای

با خلیج فارس ۲۰۰۰ «استادیون» و آخرین ساتراپ در سفرنامه او می‌باشد» (علی بابایی درمنی، ۱۳۹۱).

متن اصلی سفرنامه نئارخوس از بین رفته و آنچه اکنون بدست ما رسیده، کتابی است، که آریان مورخ یونانی درباره لشکرکشی اسکندر نگاشته‌است. گزارش‌های نئارخوس اطلاعات جغرافیایی پراهمیتی در مورد دریای پارس، در زمان حمله اسکندر مقدونی، به ایران و وضعیت دریانوردی ایرانیان به ما ارائه می‌دهد، که از طریق گزارش‌های وی می‌توان به محدوده جغرافیایی شهرها و ایالات ساحلی دریای پارس، در سال‌های پایانی فرمانروایی هخامنشیان و سال‌های آغازین حکومت سلوکیان، پی‌برد.

گزارش این سفر که در سواحل کرمان پس از اولین ملاقات نئارخوس به اسکندر تقدیم شد، بر نظر اسکندر در اجرای نقشه‌های اکتشافی خلیج فارس تأثیر مستقیم داشت؛ زیرا، نقل آنچه که لشکریانش از دریا و سواحل دیده و شنیده بودند، چنان اسکندر را مشعوف کرد که ب فکر دریانوردی تا مصب فرات نیز افتاد (پلوتارک، ۱۳۴۶: ۴۲۳).

پس از انجام سفر اکتشافی نئارخوس، اسکندر برغم میل سردارانش که خواستار برگشت به وطن بودند، بابل را بعنوان مرکز حکومت خود انتخاب کرد. او با انتخاب بابل، تقریباً در مرکز امپراطوری خود، که از سند تا یونان امتداد داشت، می‌توانست بر دریا‌های بزرگ سرزمین‌های فتح‌شده خود، یعنی دریای مدیترانه و خلیج فارس، مسلط باشد و مبادلات تجاری دریای مدیترانه؛ خلیج فارس؛ بین‌النهرین و آسیای صغیر را نظارت کند.

اسکندر که از نتایج سفر نئارخوس راضی بود، دست‌ور داد تا تعداد زیادی کشتی ساخته و در بابل حاضر کنند، سپس او هیأت‌هایی را برای اکتشاف به قسمت‌های سواحل غربی خلیج فارس اعزام کرد. اولین هیأت، به رهبری ارکیاس تا حوالی «تیلوس» جلورفت، اندروستون، سیاح دوم، از آن نقطه جلوتر رفته و سیاح سوم که هیرون نام داشت و از اهالی «سولی» بود از آن دو پیشتر رفت. خبرهایی که سیاحان یاد شده با خود

غربیان بود. مبادلات تجاری در این دوره شامل کالاهایی مانند احجار کریمه و جواهراتی که روی آنها برجسته کاری شده بود؛ داروهایی که هند تا حدود «برتانی» صادر می کرد (نباتات؛ مرهم؛ انواع روغن؛ عطریات؛ ارغوان و گلاب)؛ ظروف سفالی؛ شیشه؛ منسوجات؛ اشیاء هنری؛ پاپیروس و تجارت برده بود. این تجارت با کالاهای بازرگانی که هند وارد می کرد، موجب تشکیلات جدید اقتصادی و تولید افکار نو و مبنای تازه در مبادلات ایران گردید (آذری، ۱۳۵۰: ۱۲۷).

راه دریای خلیج فارس در زمان سلوکیان به جاده شاهی، که در دوره هخامنشیان به همت داریوش اول ساخته شده بود، ارتباط داشت. این شاهراه بصورت یک «بزرگراه بازرگانی»، تجارت بین اروپا و آسیا را از طریق راه آبی سودآور خلیج فارس، به اقیانوس هند پیوند می داد (خدادیان، ۱۳۸۳: ۸۱۱).

جانشینان اسکندر علاوه بر رقابت در بین خود، برای گسترش قلمرو، بر سر مسائل تجاری نیز رقابت وسیعی داشتند. در این دوره بطالسه جانشینان اسکندر در مصر، رقابت تجاری دریایی را با سلوکیان آغاز کردند. در قرون سوم و دوم قبل از میلاد بنادر دریای سرخ و دریای مدیترانه، با حمایت کامل حکام «بطالسه»، نقش اساسی را در تجارت شرق و غرب برعهده گرفتند (وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۸).

باوجود رقابت و انحصار نسبی، که بطالسه، در این زمان، در تجارت دریایی بدست آورده بودند و از طریق «گره» در جنوب عربستان با هند به تجارت می پرداختند، ولی هنوز بخش عمده ای از تجارت با شرق و غرب در دست سلوکیان باقی مانده بود.

اقدامات دیگر سلوکیان نشان می دهد که آنان اهمیت سیاسی و اقتصادی خلیج فارس را دریافته و در جهت رونق و آبادانی آن گامهایی برداشته اند؛ از جمله می توان به کانال کشی رودخانه کارون، که یک راه آبی میان شوش و خلیج فارس بوجود می آورد، اشاره کرد (یارشاطر، ۱۳۷۵: ۱۱۰). آنان همچنین به لایروبی آبراه های متروکه بابل تا خلیج فارس پرداخته و مسیرهای مناسبی برای تردد کشتیهای تجاری، فراهم نمودند.

جدید، که در بهبود بازرگانی دریایی بسیار مؤثر بود، حاکی از توجه پادشاهان سلوکی به خلیج فارس است. شهرهایی که توسط سلوکیان ساخته می شد، بیشتر با اسامی «سلوکیه» و «اسکندریه» نامگذاری می شدند. بسیاری از این شهرها در بین النهرین و پیرامون خلیج فارس بودند (فرای، ۱۳۸۵: ۲۳۶). در «شوش الیمائیه» سه شهر سلوکیه شهرت زیادی داشتند، «سلوکیه» کنار «اوله- کرفه»؛ «سلوکیه» نزدیک «تیسفون» و «سلوکیه» ای که در کنار خلیج فارس قرار داشت (مشکور، ۱۳۷۴: ۸۳). همچنین شهر «سلوکیه» ای که در کرانه رود دجله توسط سلوکوس ساخته شد، از نظر اقتصادی و سیاسی جانشین بابل باستانی، گشت که قبل از آن بدست، یکی دیگر از سرداران اسکندر، ویران شد (نهچیری، ۱۳۸۰: ۲۶۰).

در دیگر مناطق ساحلی خلیج فارس نیز، بندر سازی، شکل گرفته بود، در یک جمع بندی کلی، می توان گفت، که سلوکیان در سواحل خلیج فارس بیش از نه شهر بنا کردند، «انطاکیه» پارس، از شهرهای مهم بندری ساحل شمال خلیج فارس، جانشین شهر کهن عیلامی «لیان» بوشهر امروزی شد (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۲۶۲).

بنظرمی رسد، هدف از ساخت اسکندریه ها در مناطق حساس نظامی و بازرگانی و اسکان مهاجران یونانی در آنها، علاوه بر تغییر ترکیب جمعیتی به نفع خود و همچنین نیاز عملی آنان برای دوام حکومت سلوکیان، مراکزی برای ترویج فرهنگ «هلنی» در، شرق نیز، بود. در میان ساکنان بسیاری از این شهرها، که در سواحل خلیج فارس واقع شده بودند، عده ای بازرگان مهاجر نیز زندگی می کردند. این بازرگانان توانستند با استفاده از امنیت ایجاد شده توسط سلوکیان، در مسیر تجاری خلیج فارس تا اقیانوس هند، به کشتیرانی و تجارت پرداخته و باعث رونق بازرگانی بین هند، خاورمیانه و اروپا شوند.

تجارت با هند در دوره حکومت سلوکیان، در بین بازرگانان جایگاه ویژه ای داشت. مواد اولیه مانند چوب و فلزات، که ایران و هند تهیه کنندگان آن بودند، بسیار مورد تقاضای

ارتباط آنها، بویژه از دیدگاه تجاری و اقتصادی با خلیج فارس و اقیانوس هند، حفظ شود (خدادیان، ۱۳۸۳: ۱۰۷۲).

در زمان سلوکیان منطقه بین‌النهرین تحت تسلط و نفوذ «الیمائیس»<sup>۶</sup> و دولت نیمه مستقل کوچکی، بنام «خاراکس» قرار داشت. آنتیفوس چهارم (در سال ۱۶۶ ق.م) پس از فتح کابل از راه سیستان و کرمان به کنار خلیج فارس بازگشت و به «گرهه» که در راه او بود لشکر کشید و جزیره «تی لوس» یا بحرین کنونی را که در آن زمان معروف به «جزیره بازرگانان مروارید» بود، تسخیر کرد و به کناره «رود کرخه» آمد (مشکور، ۱۳۷۴: ۱۲۲). آنتیفوس شهری در این منطقه، برفراز تپه‌ای مصنوعی، ساخت و سدهایی در اطراف آن کشید و این بنای جدید را «خاراکس» نامید. خاراکس تبدیل به یک مرکز تجاری پررونق و پایتخت حکومتی شد که به احتمال زیاد پس از مرگ آنتیوخوس، استقلال یافت (گوتشمیلد، ۱۳۷۹: ۶۵).

شهر «خاراکس» بتدریج در زمان اشکانیان به یکی از مهمترین مراکز مبادلات تجاری آسیا و اروپا تبدیل شد. ایزودور خاراکسی، جغرافیدان قرن آخر قبل از میلاد، از این مرکز نام می‌برد و فاصله آنرا با «آپامیا» مرکز شهر دیگر بین‌النهرین پنج «سوخونی» ذکر می‌کند (خاراکسی، ۱۳۹۰: ۱۴).

مهرداد دوم اشکانی در اواخر سال ۱۴۱ و اوایل سال ۱۴۰ ق.م دمتریوس را شکست داد و بعد از فتح بین‌النهرین، شهر «خاراکس» را تحت تسلط اشکانیان درآورد (شیپمان، ۱۳۹۰: ۳۴). این شهر به مدت ۳۵۰ سال تحت تسلط اشکانیان بود، تا اینکه در قرن دوم میلادی و احتمالاً بین سالهای ۱۲۸-۱۴۸ میلادی، پادشاه اشکانی، با جابجایی کانون تجارت بین‌النهرین از «خاراکس» بنواحی جنوبی، شرایط بهتری را برای دریانوردان خلیج فارس بوجود آورد (وٹوقی، ۱۳۸۴: ۵۱).

۶. Elymais دولتی نیمه مستقل که در دوره سلوکیان، خاستگاه اصلی آنان کوههای شمال شرقی خوزستان بود و از میانه‌های سده دوم قبل از میلاد، در بین‌النهرین و خوزستان با توجه بشدت و ضعف قدرت سلوکیان و اشکانیان، دارای نفوذ و موقعیت سیاسی، اقتصادی ممتازی بودند.

## اهمیت خلیج فارس در دوره اشکانیان و پادشاهان رومی معاصر آنان

امپراطوری «اشکانیان» (۲۵۰ ق.م تا ۲۲۴ م)، که بنام امپراطوری «پارتیان» نیز شناخته می‌شود، طولانیترین دوره شاهنشاهی و حکومت را در تاریخ ایران بخود اختصاص داده است.

در تشکیل شاهنشاهی اشکانیان مهرداد اول (۱۷۴-۱۳۴ ق.م)، نقش کوروش و مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ ق.م) نقش داریوش، را ایفا کردند. مهرداد اول قلمرو متصرفات شاهنشاهی مزبور را گسترش داد و مهرداد دوم این متصرفات را تثبیت و نظم را در آنها حاکم کرد. وی ایران را بصورت یک قدرت جهانی درآورد؛ تماسهای او با روم در مغرب و چین در مشرق، اهمیت کشور و عظمت نقش او را، در حیات سیاسی و اقتصادی دنیای آن روز نشان می‌دهد (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۲۹۴).

همزمان با سلطنت مهرداد اول اشکانی، شرایط سیاسی در ایران و بین‌النهرین به نفع تجارت خلیج فارس و کرانه‌های آن، به کلی، تغییر یافت. این دوره (۱۷۴-۱۳۴ ق.م) مصادف با آخرین کشمکشهای حکام سلوکی در سوریه؛ مصر و یونان و از هم پاشیدگی قدرت آنان در شرق و آغاز قدرت‌گیری رومیان در غرب است. مهرداد اول، پادشاه قدرتمند اشکانی، ابتدا به باختر حمله کرد و مناطق غربی ایران را به قلمرو اشکانیان ملحق نمود؛ در پی آن نواحی شمالی خلیج فارس را بتصرف خود درآورد و با تصرف دو ایالت بزرگ پارس و بابل، (۱۶۴-۱۶۰ ق.م)، توانست کلیه نواحی پس‌کرانه‌ای شمال خلیج فارس را تصرف نماید (وٹوقی، ۱۳۸۴: ۵۰).

در آستانه سال ۱۳۰ ق.م کنترل و حاکمیت پارتیان بر کلیه سرزمینهایی، که در پیکارهای سال ۱۴۰ ق.م از قلمرو پارتیان جدا شده بود، دوباره برقرار گردید. از این پس موفقیت‌های نظامی و سیاسی پیوسته نصیب پارتیان می‌شد و سلوکیان تقریباً از اکثر مناطق غربی ایران به داخل بین‌النهرین رانده می‌شدند. فرمانروایان سلوکی می‌کوشیدند تا بخشهایی از جنوب و جنوب غربی ایران را تا حد امکان برای خود حفظ کنند تا

دربار اشکانی هزینه‌های دولتی خود را از طریق درآمدهای خارجی یا مالیات غیرمستقیم، که از واردات و صادرات کالاهای بازرگانان ایرانی و بیگانه دریافت می‌کرد، تأمین می‌نمود؛ بر همین اساس در حفظ امنیت راههای بازرگانی می‌کوشید، بازرگانان ایرانی و غیرایرانی را گرامی می‌داشت و اموال آنان را از دستبرد و چپاول راهزنان حفظ می‌کرد؛ علاوه بر آن جز مقدار معینی که بعنوان گمرک ورودی و خروجی از بازرگانان گرفته می‌شد، چیز دیگری بر آنها تحمیل نمی‌کرد. به همین دلیل می‌توانستند با رومیها و فنیقیها بر سر تجارت خاور دور رقابت نمایند. با توجه به آنچه گفته شد، یکی از عوامل مهم جنگهای ایران و روم اهمیت بازرگانی در این منطقه بود، که رومیها قصد داشتند با تصرف بین‌النهرین، خلیج فارس، یعنی کلید بازرگانی خاور دور، تسلط پیدا کنند (نشأت، ۱۳۴۴: ۶۱).

اشکانیان به بازرگانی خاور و باختر و اقتصاد خارجی ایران توجه بسیار داشته و روش جدیدی در تقویت آن بکار بردند و از لحاظ سیاسی بمنظور نگهداری مزایای این تجارت با دولت روم مبارزه کردند. کار بزرگ اشکانیان پاسداری از دریای پارس و بین‌النهرین در برابر یورش رومیان بود (افشارسیستانی، ۱۳۷۶: ۶۱).

نقش ترانزیتی ایران در دوره حکومت اشکانیان نسبت به سلسله‌های قبلی حاکم بر ایران آشکارتر است. در این میان تجارت با چین و واسطه مبادلاتی بودن بین چین و روم جایگاه ویژه‌ای را در نظام اقتصادی اشکانیان داراست. در حدود سال ۱۱۵ ق.م مهرداد دوم هیأتی را که از سوی امپراطوری چین اعزام شده بود بحضور پذیرفت. دولت اشکانی با امپراطوری مزبور معاهده‌ای منعقد کرد، که بر اساس آن تأمین تسهیلات بسیاری در امور تجارت بین‌المللی تدارک دیده شده بود و ایران بعنوان کشور ترانزیت، حلقه ارتباطی پراهمیتی را تشکیل می‌داد (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۲۹۳).

بدنبال نخستین سفیرانی که چین به ایران فرستاد، محصولات مانند: خیار؛ پیاز؛ زعفران و یاسمن از ایران به امپراطوری آسمانی چین صادر شد و در آن کشور شروع به

در دوره اشکانیان خلیج فارس بعنوان یک آبراهه مهم نظر قدرتهای بزرگ جهانی را بخود جلب کرده بود. چنین بنظر می‌رسد، که یکی از مهمترین دلایل لشکرکشی تراژن یا تریانوس، امپراطور روم، در سال ۱۱۵ م، تسلط بر خلیج فارس و راههای تجارت دریایی آن بوده است.

در عصر خسرو اول (۱۰۸-۱۳۰ م)، بر سر مسئله ارمنستان، جنگی با رومیان ایران و روم درگرفت. تریانوس، قیصر روم، پس از تصرف ارمنستان تا عمق بین‌النهرین پیشروی کرد و پایتخت اشکانیان یعنی شهر «تیسفون» را به محاصره خود درآورد. محاصره تیسفون توسط روم در سال ۱۱۶ م صورت گرفت و با فرصتی که نصیب رومیان شده بود، ناوگان رومی از طریق رود دجله تا خلیج فارس پیشروی کرد (خدایان، ۱۳۸۳: ۱۰۶۲). اما شورش یهودیان، تریانوس را مجبور به عقب نشینی نمود (ورستندیک، ۱۳۸۶: ۳۹۲).

### خلیج فارس شاهراه تجارت اشکانیان

اشکانیان پس از غلبه بر سلوکیان سراسر قلمرو خود را، از آمودریا (جیحون) و سند تا شام و آسیای صغیر و کناره‌های جنوبی دریای مکران و خلیج فارس، تحت اداره یک حکومت واحد درآوردند. شاهان اشکانی، که از نظر بافت اجتماعی از جمله اقوام صحرانشین، عشیره‌ای و بیابانگرد بحساب می‌آمدند، درباره کشاورزی آگاهی و مهارت نداشتند از اینرو به تجارت و مبادلات بازرگانی روی آوردند.

در دوره اشکانیان قسمت زیادی از بودجه کشور، از طریق مالیاتهای گمرکی بدست می‌آمد و موقعیت جغرافیایی ایران بواسطه قرار گرفتن بر سر راه تجاری شرق و غرب این امکان را به آنان می‌داد. راههایی از کنار رود دجله و فرات و همچنین قسمتهای شمالی قلمرو اشکانیان و راههای بسیار دیگری نیز از آسیای صغیر بسمت خلیج فارس امتداد پیدا می‌کرد و شمال خلیج فارس از طریق این راهها به ماد و ارمنستان در شمال و آسیای صغیر و روم، در غرب و ترکستان، هند و در نهایت به چین در شرق، مرتبط می‌شد و حجم زیادی از کالاها از این طریق رد و بدل می‌شد.

وجود داشت و کالاهای زیادی بین دو طرف مبادله می‌شد (راجرسیوری، ۱۳۷۷: ۲۱).

در این دوره جنبه‌های بازرگانی و مذهبی روابط با کشورهای دیگر بر سایر جنبه‌ها برتری داشت. کالاهایی که از چین و هند بسوی یونان و روم می‌رفت از سرزمین ایران می‌گذشت و در ایران بوسیله بازرگانان ایرانی که گاهی خریدار و زمانی واسطه معاملات بودند، با قیمت بیشتر، تحویل تجار غربی می‌شد. هر زمان جنگ و ستیزی بین ایران و روم درمی‌گرفت، رومیان از کالاها و اجناس مشرق محروم می‌شدند. برای مقابله با مداخله ایرانیان تنها راهی که به ذهن آنها می‌رسید، استفاده از نیروی دریایی بود که گهگاهی کشتیهای عرب و حبشی به کمک رومیان می‌شتافتند و کالاهای شرق را بدون دخالت ایرانیان در اختیار آنان قرار می‌دادند، ولی راه دریایی نیز بعلت قدرت یافتن نیروی دریایی ایران راه بجایی نبرد و خواسته آنان را که تجارت مستقیم با هند و چین بود، ناکام گذاشت (آذری، ۱۳۵۰: ۱۲۸-۱۲۷). فعال شدن جزایر خلیج فارس، بویژه جزیره خارک، در این دوران، یکی از عوامل رشد فرایندهای اقتصادی در دوران حکومت اشکانیست.

همزمان با حاکمیت پادشاهان اشکانی در ایران، شاهد ورود اقوام سامی «تدمر» با «پالمیر»، به خلیج فارس و اسکان آنها در جزیره خارک هستیم، که موفق شدند با شیوه‌های مختلف از جمله بنام «سامی پارتی» امتیاز راه تجاری و مواصلاتی خلیج فارس را، در بندر ارتباطی خارک، بخود اختصاص دهند (سرافراز، ۱۳۸۴: ۳-۲).

کالاهایی مانند دارچین؛ پنبه؛ فلفل و ابریشم چینی، که از هند، به جزیره خارک وارد و در آنجا معامله می‌شد، از کشتیهای ملل مختلف، به کشتیهای اجاره‌ای پالمیرها، بار می‌شد. سپس این کشتیها، بصورت مستقیم، از این جزیره، بسوی فرات عزیمت می‌کردند و کاروانها کالاها را به بندرهای مدیترانه و بخصوص به رم انتقال می‌دادند (اقتداری، ۱۳۷۵: ۸۹۵).

در جنبه‌های مختلف فنی و علوم دریانوردی، اشکانیان صنعت دریانوردی ایران را ارتقاء دادند و در این زمینه گامهای

کاشت آنها کردند و در عوض ایران از چین زردآلو؛ هلو و سپس کرم ابریشم وارد کرد (همان: ۳۴۱-۳۴۰).

مأمور چینی چژان تسیان در سال دوم میلادی از کشور «پارت» دیدن و ظاهراً دیدار او برای کسب اطلاعات سیاسی و بازرگانی بوده است. او در این سفر از چین بذر انگور و یونجه، با خود به ایران آورد. این سیاح معروف چینی، در دوره فرهاد چهارم اشکانی، به ایران آمد تا مسیر دریایی و تجاری با شرق، بویژه سواحل خلیج فارس، را مورد ارزیابی قرار دهد، ولی زمانی که فرهاد از نیت او آگاه شد، دستور داد تا مانع رسیدن او به خلیج فارس شوند. با این کار دولت اشکانی تلاش کرد تا برای همیشه مسیر تجارت زمینی و دریایی، یعنی خاراکس تا مصب رودخانه سند و از آن جا به چین را، در شرق و غرب در اختیار داشته باشد (علی محمدی، ۱۳۸۸: ۶۳).

در نوشته‌های چینی از واردات کالاهایی مانند آهن؛ زردآلو و هلو و صادرات کالاهای ایرانی به چین مانند شراب؛ انار و شترمرغ یاد شده است (کالج، ۲۵۳۷: ۷۴). اشکانیان که در این زمان به نقش واسطه‌ای خود در تجارت بین شرق و غرب آگاهی کامل داشتند و از این راه درآمد سرشاری کسب می‌کردند، به کشورهای روم و چین، اجازه تجارت مستقیم نمی‌دادند و همواره در طی چندین قرن، انحصار ترانزیت این تجارت را در دست داشتند.

وقوع «جنگ حران» در سال ۵۳ ق.م که بین روم و ایران، در زمان ارد سیزدهم، بوجود آمد نیز نتوانست، باعث دستیابی رومیها به خلیج فارس شود. با شکست کامل روم در این جنگ، اشکانیان قادر شدند که بر حفظ و نظارت راههای بازرگانی و نظامی، از جمله راه دریایی ابریشم و راه ادویه و مروارید، نظارت مستقیم داشته باشند (حسن، ۱۳۷۱: ۴۲۲).

در زمان فرمانروایی اشکانیان روابط ایران و هند نیز همچون دوره‌های قبل برقرار بود. اشکانیان توانستند با تسلط بر پارس، خلیج فارس را نیز تحت سلطه خود در آورند؛ علاوه بر آن، در دوره حکومت پارتیان تجارت در خلیج فارس، بخصوص با هند

گشت. در این دوره، شرایط سیاسی در ایران و بین‌النهرین به نفع تجارت خلیج فارس و کرانه‌های آن، بطور کلی، تغییر یافت. این پادشاه قدرتمند اشکانی، ابتدا به باختر حمله کرد و مناطق غربی ایران را به قلمرو اشکانیان ملحق نمود. در پی آن نواحی شمالی خلیج فارس را بتصرف خود درآورد و با تصرف ایالت بزرگ پارس و بابل (۱۶۴- ۱۶۰ ق.م)، مهرداد اول، توانست کلیه نواحی پس‌کرانه‌ای شمال خلیج فارس را تصرف نماید، ولی با این وجود در زمان پادشاهان بعدی سلسله اشکانی، بعزت کشمکشهای قومی و جنگهای طولانی مدت با یونانیان و رومیان، در بعضی از سالهای حکمرانی این سلسله، توجه به خلیج فارس به حداقل می‌رسید و سلطه ایران بر این مناطق شکننده بود.

#### منابع کتاب

- افشار سیستانی، ایرج؛ *جغرافیای تاریخی دریای پارس*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- اقتداری، احمد؛ *آثار شهرهای باستانی سواحل خلیج فارس و دریای عمان*، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- آل احمد، جلال؛ *جزیره خارک در یتیم خلیج فارس*، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۰.
- ایزیدور خاراکسی؛ *ایستگاههای پارتی*، ترجمه فیروز حسن عزیز، تهران: گنجینه هنر، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- پلوتارک؛ *حیات مردان نامی*، ترجمه رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، جلد سوم، ۱۳۴۶.
- حسن، هادی؛ *سرگذشت دریانوردی ایرانیان*، ترجمه امید اقتداری، تهران: به نشر، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- خدادادیان، اردشیر؛ *تاریخ ایران باستان*، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۳.

بلندی برداشتند. در این زمان دریانوردان ایرانی توانستند، راههای دریایی را کشف نموده و بر روی نقشه ترسیم نمایند؛ راهنامه‌ها (راهنامج عربی) را درست کنند و ناوهای استواری را برای دریانوردی در آبهای خاورزمین افکندند. آنان برخی نامهای فارسی را در کار دریانوردی بکار گرفتند که هنوز هم در زبانهای شرق و غرب جهان زنده است، مانند: ناو؛ ناوخدا و ناخدا؛ سکان (سوکان) و دربار بمعنی بندر و ... (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۵).

#### نتیجه‌گیری

با مرگ اسکندر و بقدرت رسیدن سلوکیان هرچند اعزام هیأتها برای اکتشافات دریایی متوقف شد، ولی اقداماتی که در نقاط کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج فارس انجام گردید، نشان می‌دهد، که سلوکیان نسبت به خلیج فارس و مسائل آن بی‌توجه نبوده‌اند.

یکی از اقدامات مهم سلوکیان در سواحل خلیج فارس، شهرسازی و ایجاد بندرهای جدید بود، که در بهبود بازرگانی دریایی بسیار مؤثر بود؛ بطوری که سلوکیان در سواحل خلیج فارس بیش از نه شهر بنا کردند. چنین بنظرمی‌رسد، که هدف از تشکیل این شهرها که در مناطق حساس نظامی و بازرگانی واقع شده و عمده ساکنان آنها را مهاجران یونانی تشکیل می‌دادند، علاوه بر تغییر ترکیب جمعیتی به نفع خود و نیاز عملی آنان برای ادامه و دوام حکومت سلوکیان، مراکز ترویج فرهنگ هلنی در شرق هم محسوب می‌شد. تجارت با هند نیز، در دوره حکومت سلوکیان، در بین بازرگانان جایگاه ویژه‌ای داشت. بعنوان نمونه مواد اولیه مانند چوب و فلزات، که ایران و هند، تهیه‌کنندگان آن بودند، بسیار، مورد تقاضای غربیان بود.

حاکمیت و نفوذ اشکانیان بر خلیج فارس؛ سواحل؛ جزایر و بندرهای آن در مدت طولانی فرمانروایی آنان افت و خیزهای فراوانی داشته‌است. اشکانیان تا زمان بقدرت رسیدن مهرداد اول بر خوزستان؛ پارس و بابل دست نیافته بودند و بدیهی است که این مناطق طبعاً هنوز تحت سلطه آنان نبود و احتمالاً امرای محلی و دولت‌های نیمه‌مستقل، کنترل این مناطق را در دست داشتند، اما با بقدرت رسیدن مهرداد اول و فتح استانهای کرانه‌ای، حاکمیت ایران بر خلیج فارس مسجل



- دیاکونوف، میخائیلویچ؛ تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی اربابی، تهران: ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۶.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران: امیر کبیر، چاپ یازدهم، جلد اول، ۱۳۸۸.
- سرافراز، علی اکبر؛ تعیین حریم گورستان تاریخی شغاب، بوشهر: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری صنایع دستی استان بوشهر، ۱۳۸۴.
- سیوری، راجر و کلی، جی بی؛ خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هجدهم میلادی، ترجمه حسن زنگنه، قم: بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- شیپمان، کلاوس؛ مبانی تاریخ پارتیان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- فرای، ریچارد؛ میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- فن گوتشمید، آلفرد؛ تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- کالج، مالکوم؛ پارتیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سحر، چاپ دوم، ۲۵۳۷.
- گریشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۴.
- مشکور، محمدجواد و مسعود رجب نیا؛ تاریخ سیاسی اجتماعی اشکانیان، تهران: دنیای کتاب، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- نشأت، صادق؛ تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: شرکت نسبی کتاب، چاپ اول، ۱۳۴۴.
- نهچیری، عبدالحسین؛ جغرافیای تاریخی شهرها، تهران: مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- وثوقی، محمدباقر؛ تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ورستاندیک، آندره؛ تاریخ امپراطوری اشکانیان، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: جامی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ویلسن، سرآرنولد؛ خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- یارشاطر، احسان و دیگران؛ تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، جلد سوم، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.

#### مقاله

- آذری، علاء الدین؛ «روابط ایران و هند از عهد باستان»، بررسیهای تاریخی، شماره سی و پنج، ۱۳۵۰.
- بابایی درمنی، عاطفه؛ «خلیج فارس در هنگامه یورش اسکندر»، کانون پژوهشهای دریای پارس، بی تا.
- علی محمدی، نعمت الله؛ «چاپارخانه‌های ایزودور خاراکیسی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره یکصد و سی و نه، ۱۳۸۸.
- مجتهدزاده، پیروز؛ «نگاهی به جغرافیای تاریخی خلیج فارس، ایرانیان در خلیج فارس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره هفتاد و نه و هشتاد، ۱۳۷۳.
- مستوفی، احمد؛ «سفر دریایی نثارخ در سواحل عمان و خلیج فارس»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره بیست و نه، ۱۳۳۵.